

عدالت خواه اسپندکوهی

اشکاشم پامیر بدخشان

مطلب زیرین نظریه تقاضای مکرر نویسنده محترم این سطور که از در و درنج مردم عذاب دیده و سواالی های مرزی بدخشان حکایت دارد به سایت وزین اصالت تقدیم گردید.

احمد کامروز



شخصی که با فامیل اش در اثر غصب املاک اش بیجا شده است

غصب املاک زراعتی مردم مظلوم

نیستم میرزا قلم ناچار میرانم قلم
هرکه را دردی رسد ناچار گوید وای وای

بر همه آگاهان سیاسی، عدالت خواهان و فرندان راستین وطن قهرمان پرور ما پوشیده نمی باشد که در شرایط خاص و حساس تاریخی کنونی، ملت ما خواهان تشکیل اداره سالم ملی در میهن عذاب کشیده خویش است. تا بواسطه این اداره سالم و قانونمند ملی مردمی بتواند خواست های نهادینه خویشرا که عبارت از تطبیق عدالت اجتماعی و اقتصادی، تحکیم پیوند های ملی (وحدت ملی، استقلال،

حاکمیت ملی، تقرب اسلامی میان پیروان همه مذاهب در کشور، اصل شایسته
سالاری در بطن مردم سالاری، سپردن کار به اهل کار، سهم و اشتراک فعال
فرزندان شایسته همه اقوام و ملیت ها در رهبری و اداره قوه اجرائیه، مقننه و
قضایه) مطابق قانون اساسی و بالاخره ایجاد جامعه مدنی که با دموکراسی معقول
عصر و زمان کلتور و فرهنگ ما مطابقت داشته باشد برآورده سازند.

از فقر و گرسنگی و بی عدالتی ها نجات یابند و به جای جنگ و خونریزی که
بیشتر در اثر مداخلات خارجی و نوکران آنها درین خطه باستانی رونما گردیده در
فضای صلح و برادری عدالت و ترقی زندگی نمایند. و در عوض اینکه مملکت آنها
میدان رقابت های آزمندانه منفعت قدرت های نظامی، سیاسی، تجاری خارجی و
داخلی باشد از کمک های بی غرضانه و بشردوستانه کشورها که با عث پیشرفت و
ترقی شان میگردد استفاده نموده از تمدن نوین همه عالم بشریت (مشرق و مغرب)
بهره ور گردیده با تمدن جهانی بیشتر محروج گردند و با شکوفائی در همه عرصه
های حیات اجتماعی، اقتصادی و غیره نهادهای ضروری زیست وارد مرحله گردند
که در قطار ملل عالم گام بگذارند.

متأسفانه در اثر نبود اداره سالم ملی عادلانه - و مشتعل گردانیدن جنگ و
خونریزی بواسطه اجانب و نوکران آنها که در نتیجه آن فقط ویرانی بما و ترقی
هرچه بیشتر نصیب دشمنان و بیگانه گان شد، ما از کاروان تمدن انسانی چنان
عقب افتاده ایم که حاجت به شرح دیگر ندارد، ریشهء این بد بختی که مملکت را
تقریباً به قهقرا کشانیده بود اکنون توسط اکثر دانشمندان، محققان، مبارز و
فرزندان آگاه و با رسالت وطن که بیشتر شان در کوره این حوادث پخته شده اند
صادقانه بیان میشوند، و از نظر مردم قهرمان افغانستان هم پنهان نمانده است
یعنی دشمن و دوست را بیشتر شناخته اند.

چشمان حقیقت بین ملت ما بخصوص طی سه دههء اخیر کشمکش ها و ویرانی ها
دیده بودند، که بیشترین و مدهش ترین عذاب ها، جفا های بی عدالتی را اقلیت های
قومی مذهبی متحمل گردیده اند لذا در میان همه ملت زجر کشیده افغانستان باید
آنها را ستمدیده ترین ستمدیده ها محسوب داشت، با وجودیکه همواره از نگاه منافع

ملی و تاثیرات فرهنگ صلحدوستانه و انساندوستانه مسلط بر خود در پهلوی تقویة اداره سالم ملی مرکزی وحدت ملی و عدالت اجتماعی قرار داشته و خواهد داشت. مثلاً:

پامیری زبان های اسماعیلی مذهب بدخشانی که همیشه منافع حقوقی خود را در منافع کشور خود جستجو می نمایند گرچه ویرانی و بیداد گری و جنگهای تحمیلی سرایا وطن عزیز ما را بدون زخم کاری در تمام عرصه های حیات اجتماعی، اقتصادی و غیره باقی نگذاشت، که اکنون برای درمان و مداوای آن مجبوریم بسا دردهای دیگر را بدوش روح و تن تحمل نموده با کوه کوه مشکلات ناشی از وضع ماضی و حال سرپنجه نرم کنیم تا با کاروان تاریخ بشریت و زندگی آن همراهی نمائیم و به صفت یک ملت در صفحه روزگار باقی بمانیم.

بیت

زندگی بر گردنم باریست "بیدل" چاره چیست

چاره باید زیستن ناچار باید زیستن

لذا بر معتقدان رسالت آگاهانه و یا عاشقان جان برکف کشور تاریخی ما این وظیفه وجدانی، انسانی، ملی و اسلامی چون فریضه میباشد در یک جبهه وسیع ملی علیه بیداد گری و بی عدالتی برخاسته با شجاعت و ایمان راسخ به حقیقت برای افشاء و فلج نمودن آن دست های به قدرت رسیده ستمگر و سلطه مافیای مرموز رند و چالاک آنها که ضاهراً دم از ایجاد عادلانه اداره ملی و دموکراسی میزنند مبارزه نمایند تا شکست کامل نقشه های ما فیائی این وابسته گان مداخلات استعمار یون نوین بین المللی که محصول عمل آنها جز مساعدت به فرصت طلبان اوج فساد اداری با رژیم ارباب رعیتی، استفاده از جهل سالاری های زیر نقاب مردم سالاری به منفعت خود - تهدید و محروم نگهداشتن اقلیت های قومی مذهبی از اشتراک و سهم فعال در اداره دولت و ادامه جنگ و خونریزی - تخریب وحدت ملی تشکیل باندهای قاچاق مواد مخدره و ثروت های ملی چیزی دیگری که از آن به ملت خیری رسیده باشد نبوده است، قاطعانه مبارزه نموده تا با نیرنگ و عوام فریبی نتوانند تحت پوشش پروگرام های محیلانه از کیسه جامعه جهانی پول

بدرآورده با تقویة قشر کولاک خون آشام قریه ها - اربابان تفنگ داران غیر مسوول در محلات به غصب مراکز و مناطق پرمفعت تجارتي به نفع خود و ضرر ملت پردازند و با ایجاد شرایط نا گوار مردم را به کشت خشخاش وادار کرده از محصولات آن تریاک تولید شده و غیره فاکت های منفی برای به زنجیر بستن هوش و اراده افراد با اصطلاح بیک تیر چندین فاخته شکار نمایند و چون مکروب در بدن اداره و جامعه به عملیات دوام دهند، ملت امیدوار بود که با سرازیر شدن لشکر جامعه جهانی از خطرات این مکروب نجات می یابند، چنانچه در بدخشان باستانی قراریکه بارها از رسانه های خبری شنیده اید بیداد گری بخصوص در ولسوالی های پامیری زبان نسبت به هرجای دیگر این ولایت با شدت بیشتری جریان دارد.



تقریباً مدت ۷ سال از حکومت "حامد کرزی" سپری میگردد ولی در بدخشان پامیری زبانهای بدخشانی از حقوق عادلانه خویش چه در عرصه - سیاسی - اقتصادی - اداری محروم بوده و عملاً گویی درین حالت پامال شدن حقوق شان نگهداشته میشوند.

عاملین قتل های وحشت آور همچنان درین مناطق حکومت میکنند چون در قوه اجرائیه، مقننه از کدرهای فعال و شایسته آن ها مثلاً در پارلمان و یا پست های بالائی اداره ولسوالی های محلات شان چون ولسوال، قومندان امنیه و غیره کسی

مقرر نمی باشد به آسانی حقوق آنها در تمام عرصه های حیات جامعه توسط ستمگران گوناگون مافیائی پامال میگردد پول کمک های بنائی به ضرب المثل وطنی از گرگ خورده به مردم پوست میرسد؛ زیرا حقیقت را که تفتیش می کند. حالانکه باسیمینار و کنفرانس بازی و کارهای پای در هوا موسسه و مردم را فریب میدهند، قتل های بدون بازخواست تقریباً به شکل دسته جمعی در سال جاری در قریه غاران اشکاشم، تجاوز به ناموس مظلوم ترین انسان در (فطور) واخان - انداختن دعوای ملکی و حقوقی و مخالفت ها در میان اهالی قریه جات - عدم کنترل نرخ و نوا - تقسیم غیر عادلانه بازارهای مرکز ولسوالی اشکاشم که بخود صاحبان آن یعنی اشکاشمی ها عادلانه دکان داده نشده و اکثر آن بازار توسط افراد ذکر شده که از دیگر مناطق مسلح و یا غیرمسلح به اشکاشم آمده غصب گردیده - غارت اسباب و لوازم ادارات در زمان حکومت های قبلی بشمول قطع درختان حکومتی و غصب ساحه آن که اکنون سرای های افراد مسلح در آن بنا میشود و غیره را میتوان نمونه مثال آورد که هیچ کس از آن چشم پوشیده نمیتواند شاید بعضی بگویند این مسایل در همه جای کشور وجود دارد؟

ولی باید متوجه شد که در مناطقی که نگارنده اکنون راجع به آن صحبت می نماید از طرف مردم محلات این ولسوالی های یعنی پامیر بدخشان هیچگونه مشکلات امنیتی، سیاسی، نظامی وجود ندارد تا حکومت را به مشکل مواجه سازد بلکه این حکومت محلی درین ولسوالی ها است که اعضای آن بر اقلیت های قومی مذهبی یا وطنداران بدخشی خویش مشکل ایجاد نموده ستم روا میدارند. در حالیکه اکثر این اعضای حکومت خود بدخشانی اند، از برادران خویش با نیرنگ و جفا و بیداد گری بشیوه قانون ماکیاولئی ملک و مال بدست میاورند. تا در راه ابریشم مارکیت های تجارته مافیایی گوناگون خود را اعمار نموده و بالأخره خویش را حاکم نگه داشته و نفوس اقوام خود را بیشتر نمایند زیرا اشکاشم و واخان و سائر پامیرات در سرحدات جیو استراتژیکی مهمی قرار دارد که همه آگاهان از اهمیت سیاسی و اقتصادی آن مطلع میباشند، و گرنه این چه حال است که عمارت و باغ حکومت

سرای تجارت شود ولی در مقابل، زمین یک دهقان ناچار بدون آنکه به او حبه و دیناری یا زمینی داده شود غصب گردیده تعمیر اداره حکومت شود؟



چنین قضیه را در اشکاشم میتوانید بوضاحت تماشا کنید. و یا تحت نام شهرک سازی زمین های مردم اشکاشم بدون رضایت اهالی گرسنه و فقیر آن نقشه زنی برای مردم دیگر مناطق بیرون از ولسوالی های پامیر بدخشان گردد. در بازار قبلی که اکثر دکاکین بدست همین حاکم ها افتاده و توسط اقوام شان تصاحب شده به اشکاشمی ها کدام سهم و دکان عادلانه داده نشده که باز این نقشه ماهرانه آنها را بی خانمان میکند تا اولاد شان فردا جای نشیمن برای خود نیابند؟ و درین منطقه فعلاً کم عاید و کم زمین در تناسب به تعداد نفوس پامیرات بدخشان که اساس اقتصادی مردم آنرا زراعت و مالداری تشکیل میدهد و با گذشت هرسال نفوس آن در تزايد است اینگونه جفاها در حقیقت جنایت نا بخشودنی و ستم واقعی قومی، مذهبیست که توسط عده از وطنداران قدرتمند در اداره محلی که از سال (۱۳۷۰) هم به این سو با استفاده از سلاح و تقرر از جانب یاران خود منطقه را تصرف کرده اند بر مردم پامیرات اعمال میگردد. این اعمال نه تنها به پیوند های ملی بدخشانیان صدمه رسانیده است بلکه باعث عدم اداره سالم محلی درین مناطق است. آینده آنرا فرزندان راستین و خلف بدخشان نگران کننده و خطرناک برای ولایت خویش میدانند. زیرا دشمنان بوسیله تضادهای قومی، مذهبی جوی های خون را بارها با دست های خودمان در خانه مشترک ما جاری کرده اند.



امیدواریم با خوانش این حقیقت ها آنعده دولتمردان آگاه و وطن دوست، عدالتخواهی که کارشان از قدرتمندان گروه مافیائی منفعتجوی در اداره دولت جدا است با قدرت و وسایلی که در دست دارند بخاطر تحکیم وحدت و پیوند های ملی و اعاده حقوق اقلیت های قومی، مذهبی بخصوص بدخشان عزیز جلو استبداد و بی عدالتی را گرفته وظیفه ایمانی، وجدانی و اسلامی خود را در مقابل ملت جفا کشیده خویش ادا نمایند، قدرت اداره در بدخشان باید عادلانه گردد همه اقوام ساکن بدخشان توسط فرزندان شایسته و لایق خود باید سهم خود را در اداره دولتی این ولایت تامین نموده. تا هیچ قومی در پنجه گروگان مشیت معلوم الحال منفعتجوی دست و پا نزند.

به قدرت استبدادی و غیر عادلانه تقلب کاران در انتخابات پارلمانی و نفاق افکنان که با قربانی کردن بهترین ارزش ملی، اسلامی، تاریخی و انسانی صاحب ثروت حرام و قدرت حرام تر از آن گشته اند پایان داده شود، می ترسم از کسیکه نمی ترسد از خدا !

املاک زراعتی و غیر زراعتی مردم صلح دوست، عدالت خواه و معرفت پرور ولسوالی اشکاشم و همه پامیرات بدخشان (شغنان، واخان، زیباک، منجان و شیوه) بخود شان تعلق داشته باشد. تا این ارزش های مادی و معنوی، تاریخی و فرهنگی

به همه ملت ما تعلق دارد. کثیرالملت بودن باعث ضعف ما نیست بلکه مارا قوی
و نیرومند میسازد.

ما باید ثابت کنیم که چگونه با عقاید مختلف ولی عادلانه میتوانیم متحدانه زندگی
نمائیم به شرطیکه به حقوق همدیگر احترام بگذاریم.

دوشنبه، ۱۸ می ۲۰۰۹

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با کسب مجوز کتبی از «اصالت» مجاز است!

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد.

Esalat2006©Copyright

www.esalat.org